

اسناد و نامه‌های تاریخی

## اسناد و احکامی

از خاندان افشار ارومی

از

مدرسی طباطبائی

## اسناد و احکامی از

### خاندان افشار ارومی

ایل «افشار» از قبایل معروف و بزرگ تاریخی ایران است که افرادی از آن از قرن دهم به بعد عهده دار مقامات هم، و در دربار صفوی و پس از آن به عهد نادر که خود از همین تیره بود، مصادر امور و منشأ خدمات و آثار و مآثری بوده‌اند و از همین رو در تاریخ این دوره ایران جای به جای نام این طایفه را مشاهده می‌کنیم.

در سال ۱۰۳۶ بنابر آذچه

در تاریخ افشار عبدالرشید بن محمد شفیع افشار محمود لوى ارومی آمده است شاه عباس اول به پاس خدمات کلپعلی خان افشار و دیگر امراء این طائفه فرمان داد که آنان هر نقطه

از

مدرسی طباطبائی

از کشور را که خود انتخاب کنند، به عنوان «اقطاع» در دست گیرند، و مسکن سازند و بر آنان مسلم باشد. و به دنبال این فرمان به انتخاب کلبعلي خان هشت هزار خانوار از طوائف افشار که در عراق و فارس و کرمان و خراسان سکنی داشتند در اندک روزگاری از اوطن خود حرکت کرده رو بسوی اورمیه نهادند و در آنجا اقامت گزیدند<sup>۱</sup> و از این پس به همین جهت «افشار ارومی» نام گرفتند.

تفصیل خصوصیات اقامت این طائفه در ارومیه و حواله‌ی که در طول چند قرن برای آنان روی داده و نشیب و فرازهایی که داشته‌اند در کتاب هزبور آمده است. این خاندان در دوره قاجار نیز مصدر امور بوده در آن حدود تشیخص و هوقیقتی داشته‌اند.

#### در اختیار جناب حجۃ‌الاسلام حاج شویح حبیب‌الله افشار ارومی - از علماء

موجه و محترم نجف اشرف که اخیراً به ایران مهاجرت نموده‌اند. تعدادی اسناد و احکام مربوط به طائفه مشهور افشار ارومی دیده شد که چون از رهگذر تحقیق در تاریخ اورمیه - رضائیه - و طائفه افشار و همچنین تحقیق در پیرامون وضع اجتماعی و اداری اواسط دوره قاجار بسیار مفید بود، این بنده ضعیف افتخاراً به استخراج و ترتیب آن پرداخت و اینک اهم اسناد هزبور را در اینجا می‌ینیم. سه طغرا از این اسناد مربوط به «عباس بیک افشار» است که به موجب فرمان آقامحمد خان قاجار «خدمت و وکالت کل طایفه ارشلو» را به عهده داشته: و چند طغرای دیگر مربوط به مستمری **ملاموسی الرضا** از روحانیان هوجه اورمیه در زمان فتحعلی شاه است که پس ازاو به فرزندان و فرزندان فرزندانش می‌داده‌اند و تا پایان دوره قاجار استمرار داشته است.

**ملاموسی الرضا** فرزند جناب آخوند ملام محمد حسین پیشمناز روحانی بزرگ اورمیه، در گذشته به سال ۱۲۳۶ بوده (تاریخ افشار: ص ۳۷۵ و ص ۲۷۸) و خود و برادرانش نیز سالهای بسیار در همان شهر مستند شین حکومت

۱- تاریخ افشار، ص ۴۸

شرعی و ارشاد بوده‌اند ( همان مأخذ : ص ۳۹۶ ، ۴۰۹ ، ۴۲۱ ، ۴۲۲ ، ۴۶۲ ، ۴۶۴ و ... )، فرزنده‌لاهوسى الرضا به نام «شیخ نظر علی» بنابر آنچه از اسناد و احکام استفاده می‌شود از آغاز جوانی به نجف اشرف رفته و در همانجا اقامت داشته، و همچنان مستمری پدر خود را دریافت هی نموده است. و پس از این‌زی فرزندانش با وجود اقامت در نجف از وظیفه هزبور بهره می‌برده‌اند . جناب حاج شیخ حبیب‌الله افشار ارومی نواده شیخ نظر علی مذکور است .  
به جزاین اسناد تعدادی احکام و اسناد دیگر نیز در اختیار ایشان است که یکی دو طفرای اهم آنرا هم در پایان نقل خواهیم نمود .

## = ۹ =

فرمان آقا محمدخان - سرسلسله دودمان قاجار -  
مورخ محرم ۱۲۰۶ در تفویض خدمت و وکالت کل طائفه  
ارشلو به عباس بیک افشار ، و تعیین سی تومان نقد و  
سی خروار غله بابت مواجب او ..

حکم والا شد آنکه بنابر وفور الطاف و اشفاق خسروانه در باره عالیشان  
معلمی مکان اخلاص واردات نشان عباس بیک از ابتداء معامله ششمراهه هذه  
السنة تنگوزی ئیل خدمت و وکالت کل طائفه ارشلو را بعالیشان مشارالیه  
محول و مرجع فرمودیم . و درازاء خدمت هزبور معادل مبلغ سی تومان نقد  
و مقدار سی خروار غله بصفة مواجب ورد معاش در وجه او عنایت و برقرار  
فرمودیم که هر ساله از بابت مالیات الکاء ارومی بازیافت و صرف معاش خود  
نماید ، و در نهایت امیدواری بلوازم خدمات اقدام ورزد . عالیجاه رفیع  
جایگاه شهامت و بسالت انتباه اخلاص و صداقت آگاه امیر الامراء العظام  
بیکلربیکی و عمال الکاء ارومی هر ساله نقد و جنس هزبور را در باره او  
مستمر و برقرار دانسته ، مهمسازی واز بابت مالیات بخارج مجری دارند .  
مهرم سنّة ۱۲۰۶ .

[ شهر : ] افوس امری الى الله عبده محمد - ۱۱۸۹

پشت فرمان طبق مرسوم مهرها و توقیعات مستوفیان دیوان اعلی است.

= ۲ =

فرمان فتحعلی شاه مورخ محرم ۱۲۱۳ درامضاء  
فرمان آقا محمد خان مبنی بر تقویض خدمت و وکالت  
کل طائفه ارشلو به عباس بیک اشار ، و قراردادن  
سی تومان نقدوسی خروار غله به عنوان مستمری  
برای او :

الملک لله تعالى حکم همایون شد آنکه بنا بر وفور الطاف و  
اشفاق خدیوانه در باره عالیشان معلم مکان اخلاص و ارادت نشان عباس بیک  
اشار از ابتداء معامله هذه السنة هیمونه یونت ئیل فرخنده تجویل خدمت و  
وکالت کل طایفه ارشلو را کما کان عالیشان مشارالیه محول و مرجوع داشته ایم  
که بطريقی که باید و شاید و از می احسن کارداری و دولتخواهی او سزد و آید  
بلوازم خدمت هزبوره قیام و مرائب حسن خدمتگزاری و اخلاص شعاری خود  
را بر پیشگاه خاطر خطیر اشرف ظاهر سازد ، و در ازاء شغل هزبور هبلغ سی تومان  
نقد و مقدار سی خروار جنس بطريق سابق در وجه عالیشان مشارالیه مستمر  
و برقرار فرمودیم که هرساله از بابت مالیات و صادر ارومیه .

از بابت صادر ولایت

.....

از بابت مالیات

.....

بازیافت و صرف مدار گذار خود نموده و بخاطر جمعی تمام بتقدیم شغل  
مد کوره اقدام نماید . مقرر آنکه عالیجاه هعلی جایگاه ابهت و هناعت اکتفا  
شهامت و بسالت اشیاء امیر الامراء العظام حسنعلی خان بیکلر بیکی و عمال  
ولایت ارومی خدمت هزبوره را مختص بمشارالیه دافسته ، هواجب هزبور را  
هر ساله مهمسازی او نموده ، در عهدde شناسند . تحریر رأ فى شهر محرم الحرام  
سنه ۱۲۱۳ .

— ۳ —

حکم شاهزاده قهرمان میرزا - فرزند عباس میرزا  
نائب السلطنه و برادر محمدشاه قاجار - مورخ محرم  
۱۲۵۵ در مورد ابقاء مستمری عباس بیک افشار برای  
ورثه او .

قهرمان میرزا در حین صدور این حکم والی و صاحب  
اختیار آذربایجان بوده (تاریخ افشار عبدالرشید بن  
محمد شفیع ارومی ، چاپ ۱۳۴۶ ، س ۲۸۰۶-۴۵۰-  
سرزمین ذردشت : ص ۱۵۰) ، و سچع مهرش چنین  
است : « قهرمان ملک و دارای جهان شد قهرمان » .

**حکم والاشد آنکه عالیجاه رفیع جایگاه مجدت و نجدت همراه اعزت  
و سعادت آگاه خلوص عقیدت پناه امیر الامراء العظام نجفقلی خان بیکلر بیکی  
ارومی بالطفاف هنیر هر حمت تخمیر والامعزز و مباری بوده بداند که چهل و  
دو تومان و پنج هزار دینار مستمری مرحوم عباس بیک افشار که در وجه ورثه او  
هر حمت و برقرار داشته ایم میباشد آن عالیجاه بمبشرین ارومی قدغن نماید  
که بدینموجب .**

عالیجاه مولی ویردی خان

۱۵ تومان

ورثه مرحوم محمد رحیم بیک

۱۲ تومان و پنج هزار دینار

هبلغ مزبور رادروجه ورثه هر حوم مسطور تقسیم نموده عاید سازند و  
هر اقب باشند که ورثه مزبوره از این تقسیم تخلف نکنند و بیکدیگر زیادتی  
نمایند . البته از قراری که متعهد شده است لازمه تأکید و قدغن را مرعی دارند  
و مستمری مزبور را از همین قرار عاید ورثه کنند ، تخلف از این قرار نشود  
و در عهدش شناسند .

تحریراً فی شهر محرم سنّة ۱۲۵۵

### اسناد مستمری خاندان ملاموسی الرضا افشار :

= ۸ =

«فهرست عرض و استند عای داعی دوام دولت فاهره  
ملانظرعلی ارومیهای مجاور نجف اشرف ۱۲۷۶ »  
که بحضور ناصرالدین شاه تقدیم شده است:

قربان خاکپای جواهر آسای هبار کت شوم این داعی دولت علیه قاهره  
سالهاست که در عتبات عالیات مشغول بر تحصیل علوم بود. بواسطه عدم قدرت  
و معیشت روی امیدواری باستان ملائک پاسبان عرش نشان آورده که از  
مراحم سرکار اقدس اعلیحضرت همایون شاهنشاه روحی له الفدا ۱ کتساب  
گذرانی و معیشتی نموده، آسوده شود و مراجعت بر امکنه شریفه کرده بلوازم  
دعا گوئی دولت ابد آیت و بمراسم تحصیل حصول علوم ربانی اشتغال نماید.  
استدعا از کرم عمیم خسر وی چنان است که هنال دیوانی قریه کلیسا اسیر واقعه  
در ارومیه را که ملک اجدادی وقف اولاد است که از قرار جمع دیوان اعلی  
مبلغ نه تومان و دو هزار نقد و مقدار هفتاد من بوزن هشت عباسی مالیات دارد  
در حق این داعی مستمر و برقرار فرایند تاینکه از روی فارغ بالی و آسوده حالی  
در مراتب کسب علوم و مراسم دعا گوئی ذات بیهمال اقدس همایون شاهنشاهی  
روحی و روح العالمین فداء قیام کرده و اقدام نماید. بعد امرا مر سرکار اقدس-  
همایون است و یک فقره عرض است.

= ⑥ =

فرمان ناصرالدین شاه مورخ ربیع ۱۲۷۶

الملک لله تعالى حکم همایون شد از قرار ثبت و سررستجات و فتر خانه  
هبار که مبلغ بیست و یک تومان نقد و مقدار ده خروار بوزن هشت عباسی

(۶)

جنس از بابت مستمری هر حوم ملاموسی الرضا در وجه ورثه آن هر حوم برقرار است و در جزو مستمریات ارومی بخراج منظور شده است. چون اولاد آن هر حوم منحصر بهالیجناب مقدس القاب ملاشیخ نظرعلی است و مشارالیه بزیور صلاح و سداد آراسته و در عتبات عالیات عرش در جات مشغول دعا گوئی دوات علمیه و تحقیقی علوم دینیه میباشد لهذا این همایون فرمان شرف اصدار یافته مقرر هیفرهائیم که از هذهالسنہ قوی ئیل خجسته تحويل و ما بعدها مبلغ و مقدار مزبور بعد از وضع دو عشر هعمولی دیوان در وجه مشارالیه هرحمت ر برقرار باشد. هقرر آنکه حکام و عمال و مباشرین حال و استقبال مملکت آذربایجان همساله مبلغ و مقدار هزبور را بنحو مقرر در وجه مشارالیه حواله و مهمسازی دارند، و کتاب سعادت اکتساب دفاتر خلود و دوام شرح فرمان همایون را ثبت و ضبط نموده، در عهدش نهانند. فی شهر رجب سنہ ۱۲۷۶

- ۴ -

حکم بهرام میرزا معزالدوله - که بعد از ادشیر میرزا در کن الدویل والی و حکمران آذربایجان شد و تا هنکامی که ایالت آنجاده مظفرالدین میرزا او لیهه توپیض گردید در این مقام باقی بود (انما در المآذن ص ۳۰) سو رخ شعبان ۱۲۷۷ سجع مهر او این است: شد ز شاهنشاه اسلام ملقب بر معزالدویل بهرام

حکم والا شد که چون از قرار منشور قضا دستور سرکار اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایون شهریاری دامت شوکت مقرر شده است که مبلغ بیست و یک تومن نقد و مقدارده خروار جنس بوزن هشت عباسی از بابت مستمری هر حوم ملاموسی الرضا در حق عالیجناب مقدس القاب ملاشیخ نظرعلی ولدم هر حوم مشارالیه برقرار شود. از آنجا که امثال امر قدر قدر و اطاعت فرمان واجب الادعان واجب ورعایت احوال اصحاب دعا و ارباب استحقاق بر ذمت والا لازم است

علی‌هذا محض حصول دعاگوئی ذات بیهم‌سال امر و مقرر میداریم که از هذه السنن‌هی مونه پیچین‌تیل‌مبلغ و مقدار مزبور را در حق عالی‌جناب مشارالیه برقرار بوده، همه ساله بصیغه استمرار از باابت حالیات در جزو مستمریات ارومی از قرار برات دیوانی اخذ و دریافت کرده بفراغت بال مشغول دعای دوام دولت ابدیه و تحصیل علوم دینیه بشود. مقرر آنکه نور‌چشم ارجمند کامکار نصرالله میرزا حکمران ارومی همه ساله مبلغ و مقدار مزبور را از قرار برات بعالی‌جناب مشارالیه برسانند. المقرر کتاب سعادت اکتساب شرح رقم والا راثبت دفاتر دوام ساخته، از شائبه مصون دارند و در عهدش شناسند. تحریراً فی شهر شعبان المعظم ۱۲۷۷.

## - ۷ -

نامه مستوفی نظام به « نواب اشرف والا شاهزاده نصرالله میرزا حاکم ارومی ». نصرالله میرزا فسمتی از سال ۱۲۷۷ و ۱۲۷۸ راحاکم ارومیه بوده است  
(تاریخ افشار : ص ۴۹۳-۴۹۴).

فدایت شوم جناب مقدس القاب آخوند شیخ نظرعلی از جمله آشنایان قدیم مخلص است و مبلغ بیست و یک تومن و ده خروار غله مستمری دارد که در جزو مستمریات ارومی عاید او می‌شود. چون مشارالیه آدم مقدس خوبی است و مستمری مشارالیه نقداً و جنساً بخارج مستمریات ارومی در دستور العمل هذه‌المنه تفاوقی‌تیل منظور خواهد شد علیه‌هذا از سرکار نواب والا خواهش دارم که مستمری مشارالیه را نقداً و جنساً بدون اینکه حواله محل بشود دستی مقرر فرمایند عاید او سازند که بدون معطلی عاید او گردد. معلوم است این جزئی خواهش مخلص را مضایقه نخواهند فرمود.

=A=

نامه «عبدالراجی محمد» به «محمدالخساقان امیرالامراء العظام مخدوم مکرم مهربان سردار کل»:

مخدوم مکرم مهربانا از قرار ثبت و سرور شتجات دفترخانه هبار که و فرمان مهر لمعان اعلیحضرت شاهنشاه جمیع دین پناه روح العالمین فداء در سنّه هاضمیه مبلغ بیست و یک تومان نقد و مقدار ده خبروار جنس مستمری مر حوم ملاموسی الرضای ارومیه‌ای دروجه عالی‌جناب مقدس القاب شیخ نظر علی پسر او برقرار گردیده است که کما فی السابق در جزو مستمریات ارومی بعد از وضع دو عشر معمولی دیوان اعلی اخذ و بازیافت داشته صرف معاش خود نماید، و بدعاً گوئی دولت قاهره اشتغال ورزد. از قراری که مذکور شد چون مشارالیه در عتبات عالیات هجاوارت اختیار کرده دیگری باشتباه نقد و جنس مستمری او را دریافت نموده و بخود مشارالیه چیزی عاید نشده است. لهذا با آن مخدوم مکرم مهربان زحمت میدهد که قدغن فرمایند هر که مستمری او را گرفته و باونفرسانیده استرداد کرده بخودش بر سانند. وبعد از این هم هباشرين امور دیوانی ارومی بر حسب فرمان مهر لمعان نقد و جنس مزبور را بمشارالیه بر سانند. و قبض رسید از او دریافت نمایند که مشارالیه آسوده بدعاً گوئی دولت قاهره قیام نماید. بدیهی است که آن مخدوم مکرم مهربان بجهة حصول از دیاد دعا برای دولت روز افزون لازمه مهربانی رادر حق مشارالیه خواهند فرمود و قدغن اکید خواهند نمود که مشارالیه آسوده شود. ایام عزت مستدام باد.

(حاشیه به خطی دیگر:)

مستمری ورثه مر حوم ملاموسی الرضاد رجز و مستمریات ارومیه برقرار است و از قرار فرمان جهان مطاع در حق عالی‌جناب شیخ نظر علی ولد مشارالیه هر حمت شده، در دستور العمل سنواه هاضمیه و هذه السنّه تفاوتی ئیل هم ... آمده است.

= ۹ =

حکم اسدالله‌ان واجار حاکم اور میه مورخ جمادی-  
 الشانیه ۱۲۷۸ وی ابتدای پیشکار اور میه بود و در سال  
 ۱۲۷۸ پس از استغای نصرالله میرزا حکومت آن شهر  
 را عهده دار گردید . و تا اوخر سال ۱۲۷۹ که ملک-  
 منصور میرزا به حکمرانی اور میه منصوب شد در این  
 مقام باقی بود (تاریخ اشار : ص ۴۹۴) .

در خصوص مستمری عالی‌جناب قدسی القاب ملانظرعلی از قرار فرمان  
 مهر لمعان جهان مطاع و احکام عدیده که در دست عالی‌جناب مشارالیه است  
 میباید دروجه مشارالیه و اولاد و ورثه اعاید شود . در هذه السنة تفاوقی  
 ئیل خیریت دلیل که عالی‌جناب سیادت‌آب میرحسین که القاء شبیه نموده و  
 قدری از مستمری جنس را تمام و هبلغی از نقد برده میباید باستحضار و  
 اطلاع جناب مستطاب قدوة العلماء السکرام وافضل الفضلاء العظام آقا حسن  
 سلمه‌الله تعالی دروجه ورثه عالی‌جناب ملانظرعلی مستمر و عاید دارد بلاعذر.  
 این چند کلمه بجهة استرداد نقد و جنس عالی‌جناب مشارالیه از عالی‌جناب  
 میرحسین قلمی گردید . تحریراً فی شهر جمادی الشانیه ۱۲۷۸

= ۱۰ =

نامه‌ای به « عالی‌جاه مقرب الشاقان مخدوم مهربان  
 اسدالله‌خان حاکم ارومی » :

مخدوم مهربان از قرار فرمان مهر لمعان مبارک و موافق کتابه دستور -  
 العمل دیوانی و تعلیقه جناب جلال‌التمآب آقای مستوفی‌الممالک دام‌مجدہ‌العالی  
 مبلغ بیست و یک تومن نقد و مقدار ده خروار جنس مستمری مر حومه‌لاموسی -

(۱۰)

الرضای ارومیه‌ای دروجه عالیجناب مقدس القاب شیخ نظرعلی پسر او برقرار است ، چون عالیجناب مشارالیه در عتبات عالیات مجاور است لهذا بآن مخدوم مهربان رحمت میدهم که بمبادرین امور دیوانی ارومی قدغن نمایند که هر ساله مستمری عالیجناب مشارالیه را بعداز وضع دو عشر معمولی دیوان اعلی عاید داشته و قبض دریافت دارند که با سودگی مشغول دعاگوئی دولت ابد مدت قاهره باشند . البته چون که (؟) رحمت داده ام قدغن تأکید در این باب خواهد نمود . زیاده رحمتی ندارد . فی شهرشوال ۱۲۷۹ .

## = ۸ =

نامه‌ای به «عالیجاه مقرب الخاقان مخدوم مکرم  
مهربان اسدالله خان حاکم ارومی» :

مخدومها چون در هر حال هر ارادات ارباب استحقاق و داعیان دوام دولت قاهره برهمه کس لازم و واجب است خاصه عالیجناب فضائل ما آب شیخ نظرعلی که بچندین جهات شایسته و سزاوار رعایت و مراقبت است در باب مستمری او با وجود صدور فرمان مبارک که در دستور العمل مسطور شده نباید مستمری او اختلاف پیدا کند و مستمری او باو نرسد . قطع نظر از محسنات ظاهري و باطنی بنده توقع و خواهشمند رایگانه و دوستانه دارم که وجه مستمری او بموجب تفصیل است .

## دیست ویک تو مان نقد

بدون رحمت و مشقت عاید آدم عالیجناب مشارالیه که فرج پاشا باشد کارسازی فرمائید و قبض رسیدگی دریافت نمائید . یقین است کمال اهتمام درین خصوص بعمل خواهید آورد که مشارالیه بفراغت و آسایش بلوازم دعا گوئی ذات اقدس ظلل الله پردازد . زیاده چه تأکید نماید . البته نهایت اهتمام را خواهد فرمود . هر گونه احوالات و خدمات را اعلام خواهد کرد . باقی بقایت .

= ۱۷ =

نامه وزیر امور دول خارجه دولت علیه ایران میرزا  
سعیدخان (۱) به مقرب الخاقان مخدوم مهر بان اسدالله  
خان حاکم ارومی :

هندوها مکرها هدتهای مدید و سالهای بعید است که هبلغ بیست و یک  
تو همان نقد و مقدارده خروار غله بر سرم مستمری در وجه ورثه مرحوم ملاموسی-  
الرضای اشار ارومیهای برقرار است و همه ساله عاید آنها شده و میشود .  
چون از قرار فرمان مهر لمعان سه سال است که هبلغ هزبور و جنس مسطور  
در حق عالیجناپ قدسی القاب شیخ نظرعلی ولد مرحوم مذکور مستمر و مقرر  
گشته اهد از حمت میدهد که بمباشرین ارومیه قدنون نمایند من بعد از قرار  
دستور العمل و کتابچه نباید دیناری باحدی بدنهند که شیخ هزبور آسوده  
خطاطر بدعای بقای دولت ابد مدت قاهره پردازد . مداخله غیر در مستمری  
شیخ خلاف رأی عدالت برای اولیای دولت قاهره خواهد بود . البته بتاکیدات  
اکیده بسپارید که نقد و جنس را بجز گماشتگان شیخ باحدی ندهند که  
باعث نیکنامی آن مخدوم خواهد بود . زیاده چه زحمت دهد .

= ۱۸ =

حکم عزیزخان مکری سردار کل - پیشکار آذربایجان  
(تاریخ اشار: ص ۵۰۲) مورخ شوال ۱۲۷۹ مهراو  
در پشت حکم چنین است: «سردار کل عساکر منصوره  
عزیزخان»:

عالیجاهان عرش همراهان حکام و مباشرین ارومی راه رقوم می شود از  
قرار ثبت و سرنشته و تصدیق عالیجاه میرزا محمد سرنشته دار و بموجب فرمان

۱ - شفاقتی انصاری موقمن الملک .

(۱۲)

جهان‌مطاع همایون ورثهٔ مرحوم ملاموسی‌الرضا در جزو مستمریات ارومی مبلغ بیست و یک تومان نقدوده خروار غله بوزن هشت عباسی جنس‌باسم عالی‌جناپ آخوند‌هلا نظر اعلیٰ مستمری دارند که هرساله موافق کتابچهٔ دستور-العمل بخرچ ارومی منظور شده و می‌شود. از قراریکه مذکور گردید مشار-الیه چندسال است در عتبات عالیات علی ساکنه‌آلاف الشناه والتحیات مجاورت اختیار کرده و کربلائی اللهویردی را وکیل نموده است که هرساله مستمری او را وصول کرده برای او بفرستد. از قرار مذکور آن عالی‌جاهان در ایصال مستمری او مسامحه و تعلل مینمایند. لهذا به آن عالی‌جاهان مرقوم می‌شود که هرساله مستمری مشار‌الیه را نقداً و جنساً تمام و کمال عاید کربلائی اللهویردی دارند که مشار‌الیه برای او فرستاده بفراغت و آسودگی مشغول دعا‌گوئی دوام دولت ابدی‌مدت قاهره باشد. شهر شوال ۱۲۷۹.

(حاشیه): نواب مستطاب شاهزاده ملک‌منصور میرزا حاکم ارومی مدلول حکم را مجری دارند.

#### = ۸ =

حکم شاهزاده ملک‌منصور میرزا فرزند فتحعلی‌شاه  
که در سال ۱۲۷۹ به حکومت ارومیه منصوب شده  
(تاریخ افشار: ص ۹۴) و تا چند سالی در همین مقام  
باقی بوده است (همان مأخذ: ص ۵۰)

عالی‌جاهان مباشرين و عمال ارومی را هر قوم می‌شود از قراریکه جناپ جلالت نصاب سردار کل دام‌مجدہ‌العالی مرقوم داشته‌اند بیست و یک تومان نقدو ده خروار غله بوزن هشت عباسی که از قرار فرمان همایون و ثبت وسر-رشته دفتر خانه مبار که در جزو مستمریات ارومیه باسم عالی‌جناپ آخوند-هلا نظر علی برقرار می‌باشد بواسطه اینکه خود مشار‌الیه مجاورت عتبات عرش

درجات را اختیار کرده وامر مستمری خود را بعالیشان کربلائی المهویردی میحول نموده بوده است که تنخواه اورا وصول کرده بجهة عالیجناب مشارالیه ارسال دارد، آن عالیجاهان در ایصال تنخواه او هسامیحه و اهمال کرده عاید ذکر شده اند، عالیجناب مشارالیه از جمله ارباب استحقاق و دعاگوی دولت قوی شوکت قاهره است ورعایت آسودگی او در هر حوال لازم میباشد لهذا مقرر مبیشود که آن عالیجاهان همه ساله وجهه مستمری اورا تمامماً و کمالاً نقداً و جنساً بدون کسر و نقصان عاید کربلائی المهویردی دارند که موجب آسودگی و فراغت عالیجناب مشارالیه گردیده، بدعاى دوام دولت قاهره پردازد، حسب المقرر معمول دارند.

فى شهر ذى قعده الحرام ۱۲۷۹.

(حاشیه نامه که به خط خود شاهزاده است:)

جناب شیخ الاسلام عیسی عمل مستمریات با شمامست ، رسیدگی کنید  
با بینید مستمری این فقیر را کی برده، تا آمدن من بگیرید برسانید. از قرار این نوشته پیش هر کس که هست بگیرید. اگر پیش حاکم سابق است باید بدهد، اگر پیش همباشر اوست باید بدهد، و اگر کسی دیگر برده است باید رد کند.

فى چهارم شهر ذى قعده ۱۲۷۹.

= ① =

فرمان ناصرالدین شاه مورخ دیبع الاول ۱۲۸۰

الملك لله تعالى حکم همایون شد آنکه نظر بملحظه دعاگوئی و استحقاق و شایستگی عالیجناب قدسی اقتساب شیخ نظرعلی افشار ارومیه از معامله هذه السنہ میمونه تنگوزئیل خیریت دلیل و مابعدها مبلغ پانزده تومن نقد و مقدار سه خروار غله برسم مستمری از بابت مستمری اشخاص

مفصله ذیل درحق او برقرار فرمودیم که هرساله ازقرار این منشور قضا دستور از بابت مالیات ارومیه اخذ و دریافت کرده، آسوده خاطر مشغول دعاگوئی دوام دولت ابد مدت قاهره باشد. مقرر آنکه مصباح مشکوہ روح مفتتاح ابواب فتوح فرزند ارجمند بیهمال ولیعهد دولت بیزوال حکمران آذربایجان حسب المقرر مرتب داشته، قدغن دارد مستمری عالیجناب شیخ نظرعلی رادر بابت مالیات ارومیه عاید وبخرج ولایت مجری دانند. کتاب دفترخانه مبار که شرح فرمان قضا جریان را دردفاتر خلود و دوام ثبت و ضبط نموده در عهده شناسند. تحریراً فی شهر ربیع الاول ۱۲۸۰

(حاشیه : )

حسب الامر الاقدس الاعلى این نقدوجنس درحق عالیجناب شیخ نظرعلی مرحمت و برقرار شده مبلغ پانزده تومن نقد و مقدار سه خروار جنس در جزو مستمریات هملکت آذربایجان بخرج دستور العمل هذه السنة تنگوزئیل ازقرار تفصیل متن مسطور شده .

= ۹ =

حکم مظفر الدین میرزا ولیعهد به تاریخ ربیع الاول ۱۲۸۰ که در آن هنگام والی و حکمران آذربایجان بوده است :

حکم والا شد آنکه چون بموجب صدور فرمان جهان مطاع اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری روحنا و روح العالمین فداء اهر و مقرر گردیده است که مبلغ پانزده تومن نقد و مقدار سه خروار غله بر سه مستمری از بابت مستمریات اشخاص مفصله درحق عالیجناب قدسی انتساب شیخ نظرعلی اشاره ارومیه مستمر و برقرار شود لذا امتنالا الامر الاقدس الاعلى نظر بمالحظه دعاگوئی واستحقاق عالیجناب هشدارالیه ما نیز مبلغ و مقدار مزبور را از معامله هذه السنة

(۱۵)

تنگوزئیل خیریت تحویل و مابعدها در حق او مرحمت و برقرار فرمودیم که همه ساله بمحض صدور برات دیوانی از بابت مالیات ارومیه اخذ و دریافت کرده، آسوده خاطر مشغول دعا گوئی دولت ابدعه دلت قاهره باشد. مقرر آنکه حکام و مباشرین حال و استقبال ارومیه مبلغ و مقدار مذبور را همه ساله موافق برات دیوانی از بابت مستمریات اشخاص مفصله عاید عالیجناب مشارالیه دارند که بخرج مفاصاص حساب آنها خواهد آمد. عالیجناب رفیع جایگاهان مقربی الحضرة العلیه مستوفیان عظام و کتبه کرام شرح رقم والاراثت و ضبط دفاتر خلود و دوام خود ساخته، از شائبه تغییر و تبدیل محفوظ دارند و در عهده شناسند. تحریراً فی شهر ربیع الاول سنّة ۱۲۸۰.

- ۱۷ -

نامه‌ای بامهر «اوض امری الى الله عبده محمد» به «مقرب الخاقان مخدوم مکرم مهربان آسامیرزادی»  
مستوفی وزیر وظایف و اوقاف آذربایجان:

مخدوم ما مسکر ما عالیجناب فضایل ما ب شیخ نظر علی ارومیه‌ای سالها بود که هجاور عتبات عرش درجات بود و در آن صفحات با عالیجناب آشنا بود که در کمال استحقاق و پریشانی است. این اوقات در مقام این برآمده که بجهة معاش او وجهی برقرار شود که آسوده حال بآن آستان عرش بنیان معاودت نماید و بدعا گوئی دولت قوی شوکت قاهره اشتغال نماید. بالمال مبلغ پانزده تومان نقد و مقدار سه خرواد جنس از بابت غایب و متوفی آذربایجان موافق فرمان مهر لمعان واجب الاذعان جهان مطاع مبارک در حق عالیجناب مشارالیه برقرار شده که هرساله بابت مالیات ارومی اخذ و دریافت نموده صرف معاش خود سازد. لهذا بآن مخدوم مهربان رحمت میدهد که در رسائden مبلغ و مقدار مذبور بعالیجناب مشارالیه یکنوع تقویت و جانبداری فرموده که

تمام و کمال بمشارالیه عایدشود که در کمال آسود گی بدعای وجود فایض-  
الجود اعلیحضرت قدر قدرت ظل الله روحناfade اشتغال نماید. بدیهی است  
که از جهه شماهم بی اجر اخروی نخواهد [بود]. زیاده چه زحمت دهد.

فی شهر رمضان ۱۲۸۰.

= ۹ =

نامه «عبدالراجی محمد» به «نواب مستطاب شاهزاده  
اعظم افعم ملک منصور میرزا حاکم ارومیه» که به  
قرینه «سنّة ماضیه تنگوزیل» که در متن نامه آمده  
معلوم میشود در سال ۱۲۸۱ نوشته شده.

فدایت شوم عالیجناب قدسی القاب شیخ نظر علی اشاراز جمله دعا گویان  
خاص وجود مبارک بند گان اعلیحضرت اقدس شهریاری روحناfade و هر دی  
است با حجب و حیا و قلیل البضاعه بل لاشیئی فی الحقیقہ، جزئی مستمری قدیماً  
در جزو وظائف ارومیه با اسم شیخ منظور میشد چون خودش هدتی مجاور  
عتبات عالیات و دراما کن مقدسة منوره مطهره هشغول دعا گوئی بسود گویا  
هباشین ارومیه مستمری قدیم اور انداده و نرسانده اند. در سنّة ماضیه تنگوزیل  
هم از قرار فرمان همایون جزئی مستمری نقداً و جنساً در حق اوبرقرار گردید.  
خودش که خدمت سرکار الامی آمد این مختصررا در سفارش مستمری او  
نوشته، خدمت نواب والا زحمت میدهد اولاً مستمری قدیم او را مقرر  
دارید در نزد هر کس است تمام و کمال گرفته برسانید و ثانیاً مستمری  
جدید و قدیم او را قدغن فرمائید که از هده السنّه و ما بعدها هباشین ارومیه  
بمحل قریب الوصول حواله وبخصوصه مراقبت فرمائید که زود ترسیده  
آسوده خاطر مشغول دعا گوئی باشد. زیاده عرضی ندارد.

= ۹ =

نامه «صدیق الدوّلہ» (میرزادارضا پیشکار آذر بایجان-  
الماّثر والآثار: ص ۳۰) به «عمدة الامراء العظام علیخان  
پیشخدمت خاصه همایونی حاکم ارومیه»:

فدایت شوم عالیجناب حاجی شیخ نظرعلی ارومیه‌ای مذکور داشت مستمری  
دیوانی او که حواله پاره‌ای محله است هنوز عاید نشده مودیان محل درادای  
وجه مستمری او تعلل داشته‌اند. چون مشارالیه مردمقدس ولازم الرعایه است  
علیهذا زحمت افزاییشوم که قدغن بفرمائید وجه مستمری او را بهر جا که  
حواله است نقداً و جنساً تمام و کمال با کسان او عاید و تسلیم نموده قبض  
رسید گی گرفته بفرستند و اورابایین جهه آسوده فرمائید، و چون مشارالیه در  
تیریز است لازمه رعایت را در حق او و کسان او بفرمائید که در غیاب او کسی  
متعرض خانه و کسان او نباشد. بدیهی است هر اقتلت لازمه راخواهید فرمود.  
زیاده چه زحمت دهد.

(حاشیه به همان خط):

فدایت شوم مذکور شد برادرزاده خود عالیجناب حاجی شیخ نظرعلی  
متعرض کسان او نمیباشد، با بودن سرکار نباید این قسم حرکات خلاف بشود،  
خواهش دارم هؤکداً قدغن بفرمائید که بهیچ وجه من الوجه هزاحم و  
متعرض کسان معزی‌الیه نشوند. زیاده چه زحمت دهد.

= ۱۰ =

نامه «عبدالراحیم محمد» به «جناب فخامت فضاب مخدوم  
مکرم سردار کل» با توقیع: «مرقوم ... ثبت شد»  
و مهر «محمد یوسف بن حسن ۱۲۵۶»

مخدوما مکرما عالیجناب شیخ نظرعلی ارومیه‌ای که از جمله دعا گویان

(۱۸)

دولت جاوید عدت است قدری مستمری از دیوان اعلی دارد که همه سال در جزو مستمریات اهالی ارومی بخراج منظور میشود . چون مشارالیه با اهل و عیال خود در نجف اشرف متوقف و مشغول دعاگوئی است وجه مستمری او بجهت عدم محل قدری بصعوبت عاید میگشت، استدعا نمود که مستمری او بدینموجب از بابت مالیات قریه شیخ تمور میرزا سعید که ملک منسوبان خودش است بخراج منظور و عاید شود. از آنجا که ضرری بدویان اعلی نداشت در کتابچه دستور العمل هذهالسنہ یونتیل از بابت قریه مزبوره بخراج منظور شد، رحمت میدهد قدغن فرمائید هرسال موافق کتابچه دستور العمل دیوانی مستمری اور از بابت قریه هزبوره هباشرین ارومیه کارسازی دارند. تحریر ۱۲۸۷ شهر صفر المظفر.

## = ۲ =

نامه شجاع الدوّل (یوسف خان بن لطفعلی خان افشار) مورخ ۱۲۸۷ : ۱ که در آن هنگام حکومت «ولایات ثلاثة» - خوی و ارومیه و سلماس - را به عهده داشته است به «برادر مهربان» که ظاهر آمقصود امامقلی بن لطفعلی اقبال الدوله است که در ۱۲۹۴ حاکم ارومیه شد .

برادر مهربان موافق دستور العمل دیوانی و از قرار تعليقه جناب جلالتمآب اجل اکرم افخم مستوفی الممالک عالیجناب شیخ نظرعلی افشار قدری مستمری در جزو مستمریات ولایت ارومی داشت که همه ساله بخراج دیوان اعلی مسطور می شد و باو عایدمی گردید. در هذه السنہ یونتیل بدبار الخلافه آمده استدعا نموده که مستمری او بدینموجب از بابت مالیات شیخ تمور میرزا سعید که ملک عالیجناب علی آقاست بخراج مسطور و باو عاید شود. از آنجا که اطاعت حکم ادعیای دولت قاهره لازم و واجب است آسود گی عالیجناب شیخ-

نظرعلی را هم باید منظور دارید که در عتبات عالیات بدعا گوئی مشغول باشد همان محل مواجب مستمری او در دست خودش و منسوبان او باشد که همه ساله نقد و جنس بهولت عاید گردد، واستدعا نمود که مواجب مستمری او را عالیجاه عزت همراه میرزا هاشم مستوفی در محل دریافت نموده سال بسال ایجاد عتبات عالیات نماید. البته عالیجاه عزت همراه میرزا هاشم بقراری که مرقوم شده است نقد و جنس محل اورا دریافت و بخودش عاید سازد. تحریر آن فی شهر ربیع الاول سنة ۱۲۸۷.

[حاشیه: ۱] حاجی عمومی تنخواه عالیجنب شیخ نظرعلی اگر امسال از محل خود دیر وصول شود از جای دیگر عالیجاه میرزا هاشم که وکیل او است کارسازی دارید که زود بفرستد در اینجا معطلی دارد خرجی برای او بر سد که روانه نجف اشرف خواهد شد. از سال آینده از همین محل خواهد رسید. حرر فی التاریخ.

حاجی عمومی نقد عالیجنب شیخ نظرعلی را از همان محل برسانید، ولی جنس او را بجهة آینکه جنس قریه شیخ تمور سعدلو عوض جیره سرباز و توبیچی منظور شده است از قریه علی بکلو و سایر دهات خالصه برسانید. البته بنحو مرقوم رفتار نمائید. فی التاریخ.

## = ۲ =

نامه‌ای از اقبال‌الدوله امامقلی بن لطفعلی مورخ شعبان ۱۲۹۴، او در این تاریخ حاکم اورمیه بوده است (تاریخ افشار: ص ۵۲۲ و ص ۵۱۲ نیز دیده شود).

معتمدالخاقانی مخدومها مهر بانسا مستمری عالیجنب حاجی شیخ نظرعلی را حواله کرده‌اند، چون مشارالیه بزوادی عازم عتبات عالیات علی

۱ - شبیه خط اقبال‌الدوله است.

ساکنیها آلاف التحیات خواهد شد لهذا مینویسم که خود آن مخدوم مهربان  
مراقبت و مهربانی کرده ، وجه برات او راقدعن نمائید زود وصول کرده باو  
برسانند . البته از قرار مرقوم رفتار نمائید . فی شهر شعبان المعلم ۱۲۹۴ .

= ۳ =

حکم «صدراعظم یوسف بن حسن» (میرزا یوسف آشتیانی)  
که از ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۳ صدراعظم بوده است) خطاب  
به «نورچشم مکرم» :

جناب نورچشم مکرم ا موافق ثبت دفترخانه مبارکه مبلغ سی و شش  
تومان نقد و مقدار سیزده خروار جنس در جزو مستمریات اروهیه در حق آقا  
شیخ نظر علی منظور و مرحومت و برقرار است . از قراری که معلوم شده شارالیه  
بر حمت خدار فته . چون مرائب استحقاق ولیاقت عالی یعنی نابان آقا شیخ موسی الرضا  
و آقا شیخ محمد ولدان آن مرحوم در خاکپای مبارک معلوم و مشهود افتاد  
مبلغ سی تومان نقد و یازده خروار جنس از مستمری هزبور در حق مشارالیه  
مرحومت و برقرار گردید . علیهذا بآنان نورچشم مینویسم که قدغن نماید مبلغ  
هزبور را نقداً و جنساً همه ساله بعد از وضع رسومات بمشارالیهایها عاید داشته  
بمراسم دعا گوئی اشتغال کنند . حمز شهر ربیع الاول ۱۳۰۲ .

[حاشیه] :

درج وظایف آذربایجان مبلغ سی و شش تومان نقد و مقدار سیزده  
خروار غله در هده السنہ پیچی ئیل با اسم آقا شیخ نظر علی منظور شده و بموجب  
این حکم مبلغ سی تومان نقد و مقدار یازده خروار جنس از مستمری هزبور  
در حق عالی یعنی نابان آقا شیخ موسی الرضا و آقا شیخ محمد ولدان آن مرحوم  
مرحومت و برقرار گردید و صحیح است .

## ملحقات اسناد مستمری خاندان هزبور:

= ۲۴ =

استشهادی است درباره قریۃ کلیسای سیر که در تصرف  
خاندان ملاموسي الرضا بوده و در پاره‌ای از اسناد و  
احکام گذشته نام آن آمده است. این قریۃ بنابر آنچه  
در نشریة «اسامي دهات کشور» - ج ۱ - آمده جزو  
دهستان حومه شهر رضائیه است (سازمان زردشت:  
ص ۹۳۲).

استشهاد واستعلام میرودا ز کافه علمای عظام و سادات ذوی المجد و الاحترام  
وسایر اهالی ولایت براینکه هر کس علم قطعی و اطلاع واقعی از این معنی  
دارد که بعد از وفات غفران مآب آخوند ملاموسي الرضا رحمه الله تمامی و  
همگی شش دانگ ملک قریۃ کلیسا سیر در تحت تصرف اولاد ذکور او بوده  
واحدی غیر از ورشئذ کور الى آنان در آنجا دخل و تصرف نکرده و ننموده  
است، هامش این ورقه را بمهرهای شریف و خط منیف خودشان هم‌هور و هزین  
فرمایند . والسلام على من اتبع الهدی . سنه ۱۲۶۲ .

= ۲۰ =

نامه‌ای با مهر «محمد حسین بن حسن ۱۲۶۹» در  
توصیه و سفارش نسبت به یکی از رعایای قریه کلیساي  
سیر مذبور :

عالی مخدومها مهر بانا مقتضی هودت و یگانگی همه اوقات ملتزم  
آنست که بواسطه مراслه نگاری بمقام پرسش حالات برآید؛ لله الحمد که  
دوستی هابین از قدیم هست واز روزیکه آن مخدادیم کرام از عهد آبا و اجداد  
مهاجرت فرموده، وارد این ولا شده‌اند هیچ وقت مراسم الفت و محبت را ترک  
نفرموده‌اند. انشاء الله تعالى بنا بر تأسی رفتگان آن مخدوم مکرم و مهر بان  
نیز عهد قدیم را نباید فراموش فرمایند. همواره بارسال رسایل و ارجاع  
خدمات شاد و مسرورم فرمایند. باری صیاد نام ذمی ولا سحق که از قدیم-  
الایام رعیت این دعا گوی دولت جاوید عدت و در قریه کلیساي سیر ملکی بند  
سکنا داشتند و در جمع بندی ولایتی در همانجا جمع شده بود، متفرق شده  
بمحال سلدوز آمده بودند. چون این از دیوان اعلی در همه‌جا مسلم است  
که رعیت پادشاه جمیجه خلد الله ملکه خوش نشین است اهذا در این مدت  
زحمت افزانشدم. این روزها باز بازن و رعیت خود کوچیده و آمده در قریه  
مذبوره ساکن و بر موطن رجوع نموده. از قرار مذکور گماشتگان سرکار  
بعضی اجناس و وجه نقد از او گرفته و ضبط نموده‌اند. متوقع است که قدغن  
فرموده هرچه از اجناس ارمنی مذبور نگاهداشته‌اند مسترد نموده و بمقام  
همانعت بر نیایند. در عالم یگانگی و اتحاد واز آنجائیکه احترام علماء در

نzd خواص و عوام برذمۀ همه مسلمین و مؤمنین لازم است مثل این دو خانوار سه خانوار رعیت هم اگر از خود تنان التفات فرمائید سزاوار بزرگی است، و انگهی رعیت قدیمی خود این دوستدار باشد یقین است مضایقه نخواهد فرمود. همه اوقات سلامتی حالات را باهر گونه دریافت طالب است. ایام عزت هستدام باد. م.

### = ۲۷ =

نامه نجفقلی خان بیکلربیکی طایفة افشار ارومی که از سال ۱۲۳۶ تا ۱۲۷۶ در این مقام بوده، و چند بار حکومت اورمیه را نیز به دست گرفته است. این نامه برای « عالیجاه رفیع جایگاه نجدت هر راه فتحامت دستگاه برادر کامکار کریم خان » نوشته شده که یکی از دوازده برادر نجفقلی خان (تاریخ افشار: ص ۳۷۸) و خود عهده دار مشاغل و مناصب گوناگونی بوده است (همان مأخذ: ص ۴۵۸ - ۴۵۰).

برادر کامکارا در این وقت که عالیجناپ فضایل هاب آخوند ملا نظرعلی که از اجله نجیبای ارومی است بعزم تحصیل علوم دینیه عازم عتبات عالیات است که در آنجا تحصیل کمالات صوری و معنوی کند، مشارالیه خود نزد آن برادر کامکار آمده ملاقات خواهید نمود، چنین خواهش دارد که اورا به آدم امینی سپارید و قدغن کنید که در راه مراقب احوال او باشند که بسلامتی بصوب مقصود برسد. چون مراعات احوال این قبیل اشخاص نجیب و دعا گو برای نجاح و آن برادر کامکار لازم است البته قدغن اُکید در مراقبت احوال او خواهید نمود. زیاده ذحمتی ندارد. همیشه حقایق نگار حالت بوده، مهمات را اشاره دارند. ایام عزت بکام باد.

چند سند دیگر :

- ۲۷ -

حکم شاهزاده بهمن میرزا فرزند فتحعلی شاه مورخ  
۱۴ - ۱۲۵۸ در مورد تسلیم مستمری میرزا جعفر  
مرندی به حاجی نظرعلی مرندی افشار (تاریخ افشار:  
س ۳۹۷-۳۹۸) .

بهمن میرزا در حین اصدار این حکم صاحب اختیار  
آذربایجان بوده (همان مأخذ: ص ۴۳۰ - ۴۳۳) و  
سچع مهر او این است: «یگانه گوهر دریای سروی  
بهمن » .

**حکم والاشد** آنکه چون از قرار فرمان قدر نشان اعلیحضرت قدر  
قدرت سرکار اقدس همایون شهریاری روحنا فداه مبلغ پانزده تومن نقد و  
سه خروار جنس وزن . . از بابت مستمری هر حوم میرزا جعفر مرندی در حق  
عالیشان اخلاص واردات ارکان حاجی نظرعلی مرندی مرحمت و برقرار شده  
است علیهذا در هذه السنة بارسیل وما بعدها امتنالا الامر الاقدس الاعلى وجهه  
ومقدار هزبور را در بابت مستمری مرحوم مشارالیه دروجه او مستمر و برقرار  
نمودیم که هر ساله از قرار برات در جزو مستمریات مرند اخذ و بازیافت  
داشته صرف گذران نماید و مشغول دعا گوئی باشد . مقرر آنکه عالیجاه رفیع  
جایگاه عزت و سعادت همراه اخلاص واردات آگاه نجفخان حاکم مرند  
وجهه هزبور را هرساله از قرار بر ایام عالیشان مشارالیه نماید . کتبه کرام  
شرح رقم والا ثبت ومصون دارند و در عهدہ شناسند . شهر ربیع الاول ۱۲۵۸ .

۱۸۸ =

حکم میرزا آقاخان نوری صدراعظم خطاب به امیر  
الامراء العظام . . . درمورد تخفیف مالیاتی نسبت  
به «حبیب‌خان از اعزه و نجیبه گلپاییگان» که شاید  
با خاندان مورد بحث قراابت سهیی داشته است. مهر  
میرزا آقاخان در پشت نامه چنین است: «صدراعظم  
دولت‌علیه‌ایران اعتمادالدوله میرزا آقاخان». ۱۲۶۸.

امیر الامراء العظاماً مخدوماً مكرها  
چون عالي‌جهان حبيب‌خان از

جمله اعزه و نجیبه گلپاییگان که این اوقات بواسطه عدم بضاعت رعایت و  
استحقاق احوال مشارالیه لازم است علیه‌هذا مبلغ سی‌تومان از بابت مالیات  
گلپاییگان حسب‌الامر در هذه‌السنن بارس‌ئیل برسم تخفیف دروجه مشارالیه  
واگذار نمودم که از بابت مالیات‌الاحلاک مخربه خود محسوب و آسوده‌خاطر  
مشغول دعا‌گوئی دوام عمر دولت قاهره باشد. آن مخدوم بمباشرین امور  
دیوانی گلپاییگان قدغن فرمایند که از قراره‌مین نوشته مبلغ هزبور را در حق  
او بتخفیف واگذار دانند و قبض حاصل سازند که موافق همان قبض بخرج  
گلپاییگان خواهد‌آمد. زیاده ضرور بااظهار و سفارش نبوده باشد. شهر ربیع-

الثانی ۱۲۷۱ .

- ۲۹ -

حکم نائب السلطنه امیر کبیر (کامران میرزا فرزند ناصرالدین شاه) مورخ درج ۱۲۸۷ در مورد وصول مالیات مأمونیه زرنده که تیول حاجی میرزا رحیم از بستگان خاندان مورد بحث بوده است .

**حکم والاشد** آنکه از قراری که عالیجاه مقرب المخاقان حاجی میرزا رحیم بعرض رسانید چند نفر از رعایای مأمونیه واقعه در زرنده که تیول مقرب المخاقان مشارالیه است در وصول و ایصال مالیات دیوانی آنجا اغتشاش و اخلال میکنند و تا کنون مالیات و بدھی آنها هعوق هانده است . لهذا مقرر میداریم عالیشان بهرام بیک غلام مأمور است مالیات آنجا را موافق سنتات سابق دریافت کرده تسلیم گماشته عالیجاه مشارالیه نماید ، و قدرگون کرده که بعد از این رعایای آنجا مرتكب شرارت و اغتشاش نشوند . البته حسب المقرر معمول داشته و در عهده شناسند . تحریر راجح المرجب . سنه ۱۲۸۷

صلی اللہ علیہ وسات

اکبر در دو طرف دیوان خود را در لایا

لکھ

لکھن خلاص دار اون نیں عجیب یک پر رہہ اور مان کر سما ہے ہر بیکم درست

حل بعده ارشد در اکیان نے رالہ محول در موقع فریض و در از اور حکم اور حوال

سبع مرگان نہ دیکھ در روز خود را عینہ بصیرت حب و در کافی در صدر اونک

در مرار فرمود کم کم جو کام لے لیا نہ اس کا چاہی داد میں، جو کسی دن کو

نامید و در بیان اپنے در بر میں خوبیت افراهم و در دل بیان اپنے

ہنس دیں ۶۰ خوبیں چھوٹ کا ہے اور الامر اور صلیل کے دل

دار و میر ہر کام نہ دیکھ دیا کام اوس سر در در در دیکھ دیا

کام کیجھ فہرست ۷۸ محمد بن ابی

امانی از دو بیان و پیش مذکوره در دو قریب نگیرند خود را بیشتر  
از تقدیم صد هزار سیاه و سیزده هزار دینار که طبق اسناد اولیه از این داده دار  
و شاید نه کسر کار داشته باشد اما از دو قریب هزار و هشتاد هزار قدر خوب است  
و شاید نه کسر کار داشته باشد اما از دو قریب هزار و هشتاد هزار قدر خوب است  
و شاید نه کسر کار داشته باشد اما از دو قریب هزار و هشتاد هزار قدر خوب است  
و شاید نه کسر کار داشته باشد اما از دو قریب هزار و هشتاد هزار قدر خوب است  
و شاید نه کسر کار داشته باشد اما از دو قریب هزار و هشتاد هزار قدر خوب است  
و شاید نه کسر کار داشته باشد اما از دو قریب هزار و هشتاد هزار قدر خوب است

کنٹل، ریساک، مر کے اسرا و بارہ کا، حاجیق سے۔

三

بایکه مهر کشیده را بگیر  
و چند روزه مان و نگهار فریاد نموده میگردید

三

در قله زنگ ام خواهیم شد و از قرآن نباید بگوییم که میراث اسلامی است

三

در این مقاله بحث کردند که آیه ۱۰ سوره زکریا در حقیقت این امری است.

三

۱۰۷- مکتبہ ایضاً نویسنده کے نام پر نہ کہ مکتبہ نویسنده کے نام پر نہ کہ

نهر نیم و مسنه هزار و دو هزار و هشتاد و هشت  
هزار و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد

زبان کیز جواہر رکنم  
آن اخراج بجهان سایه و زبان پاکیزه

همچو دو ابطه دم خود نیست هر چیز در این دن هر چیز در این دن هر چیز در این دن  
نهست و خود ایجاد نماید که از خود خوب است و حب به خود نماید که خود را خوب نماید  
چنان شکسته ای از اندیشه از عجیب و عجیب  
صح دیان و بی سین و زان و در بر از هر کجا هم نباشد و بین عبارت دارد و دریای هر چیز نماید  
از خود غایل و آنکه عالی در دریاب تک میتواند و عالی در دریاب هر سه ایوان هر سه ایوان  
قیام کرده و میتم خوب بردار و از این دست را باید بیمهه کن



وَرْدَنْ شَجَرَ دُمْرَجَةِ كَرْمَنْ بَلْقَانْ شَعَرَ دَارَدَه

لَبَسْ نَسْرَ حَمْ دَارَدَ لَرَضَ دَرَصَ دَرَهَ دَلَهَ دَلَهَ دَلَهَ دَلَهَ

شَعَرَ لَطَرَعَاتَ دَلَاهَمَهَ دَلَسَاحَهَ دَلَاهَسَهَ دَلَاهَهَ دَلَاهَهَ

زَمَانَ دَصَهَ دَيَهَ دَهَرَهَ يَمَهَ دَلَهَ دَهَهَ دَهَهَ دَهَهَ دَهَهَ دَهَهَ

تَهَرَهَ كَوَافِرَهَ لَتَهَرَهَ لَتَهَرَهَ لَتَهَرَهَ لَتَهَرَهَ لَتَهَرَهَ لَتَهَرَهَ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ  
اَللّٰهُمَّ اكْرِمْ رَحْمَةَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ  
وَلِلْمُهَاجِرِينَ وَلِلْمُجَاهِدِينَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلِلْمُؤْمِنَاتِ  
وَلِلْمُحْسِنِينَ وَلِلْمُحْسِنَاتِ وَلِلْمُعْلِمِينَ وَلِلْمُعْلِمَاتِ  
وَلِلْمُنْذِرِينَ وَلِلْمُنْذِرَاتِ وَلِلْمُنْذِرِ الْمُنْذِرِ  
وَلِلْمُنْذِرِ الْمُنْذِرِ الْمُنْذِرِ الْمُنْذِرِ

لر بست تک رام آمد و لارض در حی خوب بگشود و از سرمه است بسیار نفع دارد و حکم شده را زدن روش کوکا مهنتیل هر دو در دهانه می خورد و چشم می خورد

وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّعْلِمٌ ۝ وَهُوَ أَعْلَمُ بِأَعْلَمٍ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَذُكْرٌ لَّهُمْ ۝ إِنَّمَا يُنَزَّلُ مِنْ رَبِّكَ ۝ وَمَنْ يَرَى فَلَيَرَأْ ۝ وَمَنْ لَا يَرَى فَلَيَلْمَزْ ۝

لور تقدیم دیگر احمد ریث که بجزت این نظر عارض از این بایه تجدید عهد دستوری دارد. سفر رئیس دیلم را به کار رفته باشد و مطلع بر این اتفاق نباشد.

مارشالینه هنرمند است که در رم درس می‌گیرد و از صد و هشتاد هزار دلار به بالاتر می‌باشد.

منشی  
جس سعیت را همچنان خواهد داشت

حکمت پرسنیست  
بگال و در فلسفه مکتبه داده در کتابات اینکه دوچشم

آدم سعدی خود را ترکیب نماید خوب است اما در اینجا

سلطان حسن علیه از زار رواب ماله میش دادم سخنوار را نمایم خوش باشد

حاج احمد سخنوار دوچشم سرور را خایم ایمانه و مبلک علیه که عیسی مسیح است

خواهیم

درویش ایشان در این شیوه بیان کرد که مصلویه خیلی سخت است و دو از این شیوه

دشنهای هر دو برداشته است ایشان در پنجه های داشت اگر نهاد فص خود را تو در آن

بدر صادر داشت در آن ایشان در این شیوه بیان کرد که این دشنهای هر دو از این

دشنهای خوب دیگر نیستند ایشان این دشنهای خوب را در این شیوه بیان کرد که این دشنهای

بدر صادر دشنهای خوب نیستند ایشان این دشنهای خوب را در این شیوه بیان کرد که این دشنهای

دو بقیه دشنهای خوب نیستند ایشان این دشنهای خوب را در این شیوه بیان کرد که این دشنهای

حکم خبر کی مکان علی طبع در خود را  
 بخوبی میراند ... زیرا میراند  
 در حکم خبر و هر دو دوسته  
 میراند ... میراند ... میراند ...  
 دوسته میراند ... میراند ... میراند ...

در خود میراند ... میراند ... میراند ...  
 میراند ... میراند ... میراند ...

محمد بن هشمت

در در دهان عورت میگشند و بچو دلخواه

لار سرمه امداد کردند و بزم ازدواج ساختند  
که مادر زنگنه خواستند که این را برای خود نمایند

در صبح پنجم شصت و سیم خطیب پسر ازدواج کرد  
چنانچه مادر زنگنه خواستند که این را برای خود نمایند

به پنجم هجرت مادر زنگنه خواستند که این را برای خود نمایند  
لهه با پنجم هجرت مادر زنگنه خواستند که این را برای خود نمایند

بدر صبح هشتم هجرت مادر زنگنه خواستند که این را برای خود نمایند  
حول آن بیرون نمایند و مادر زنگنه خواستند که این را برای خود نمایند

گردا

چم خود چهار  
زیارت شد و عادی ام  
لذت هر چهار

نیز

و حالت فیض خاصه را ب شیخ نظر کرد چهار  
لذت هر چهار زیارت داشت

بیان

با وجود صد در فان میک دوست را پس از مطهیر شد  
با پیشتر از چهل دسته کند و تبردا باز

ل

در غذت طفیل برای این طبقه بند و قوم دعوه شده  
که میخواهد در چهل دسته

پیش بینی

جعفری

چهل دسته که لذت خاصه را داشته باشد  
کار از پیشتر خواهد داشت که کیمی دیافته باشد

بعد خواهیم چهار دشتر را در فرموده بودیم بلطف دعا کنیت  
ذلت این سلسه میراث از عذر خواهد داشت و دیگر میباشد

ابن بابوی از این راه احتمل رفع آن کومند احوالات و ضرورات را بهم کشیده بود  
این شیوه

مندگر

ستگر

نگار

م تا در دست ریاست  
که سبب است بگان تهد و خدا و خود

اد و پدر و مادر و مادر و از این فرشت  
دارد پس بر قرار است راهی

پنچار فرازی هر طالع است بست  
که سخن و حسن علود در حق نیست

شیخ غذیع ولد حم زنگوست و متور کشته نهاد خوش بیه  
که سخن و حسن علود در حق نیست

فرمود و قرار دستور دهن و که سخن و حسن علود در حق نیست  
که سخن و حسن علود در حق نیست

بی خارق و موصوف لبه هست فا هر بسی را از مرغنه خود و سخن علود  
که سخن و حسن علود در حق نیست

- رام غدالس بی از اولیا مرحلت فا هر دنله بعد آلس تاکات الکهند  
که سخن و حسن علود در حق نیست که هم نهایت ایشان را که خود و خود خود



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ  
الْحُمْرَاءُ الْمُكَبَّلَةُ الْمُذَرَّبُ  
الْمُكَبَّلَةُ الْمُذَرَّبُ الْمُكَبَّلَةُ الْمُذَرَّبُ

لِلْأَوَّلِ بَشِّرْيَنْ دَاهِلْ لِلْأَوَّلِ بَشِّرْيَنْ

دَاهِلْ لِلْأَوَّلِ بَشِّرْيَنْ

لِلْأَوَّلِ بَشِّرْيَنْ دَاهِلْ لِلْأَوَّلِ بَشِّرْيَنْ

رَقْ دَانْسَنْدَ بَيْكَ لَالْمَرْ وَ دَوْرَدَلْ غَوْرَدَلْ هَنْتْ خَارِمْ دَانْدَلْ دَانْدَلْ

دَوْرَدَلْ لَلْدَيْرَ بَمْ كَافْ دَاهِلْ لِلْأَوَّلِ بَشِّرْيَنْ بَرْكَاتْ بَرْكَاتْ

دَاهِلْ لَلْدَيْرَ بَمْ كَافْ دَاهِلْ لِلْأَوَّلِ بَشِّرْيَنْ بَرْكَاتْ بَرْكَاتْ

دَاهِلْ لَلْدَيْرَ  
بَرْكَاتْ

دَاهِلْ لَلْدَيْرَ دَاهِلْ لَلْدَيْرَ دَاهِلْ لَلْدَيْرَ دَاهِلْ لَلْدَيْرَ دَاهِلْ لَلْدَيْرَ

دَاهِلْ لَلْدَيْرَ دَاهِلْ لَلْدَيْرَ دَاهِلْ لَلْدَيْرَ دَاهِلْ لَلْدَيْرَ دَاهِلْ لَلْدَيْرَ

دَاهِلْ لَلْدَيْرَ دَاهِلْ لَلْدَيْرَ دَاهِلْ لَلْدَيْرَ دَاهِلْ لَلْدَيْرَ دَاهِلْ لَلْدَيْرَ

سیاه قلم می باشد که باید از آن استفاده ننماید

پریز عالم می باشد که باید از آن استفاده ننماید

برنگ بیل و پاچه ای از دو قلعه خسرو خوار غیر سه شتر هست نزدی سه شتر خسرو خوار فردوس و مهر

در سه شتر خسرو خوار می باشد

بزرگ شتر خسرو از هشت بیت از پادشاه صد و دو بیت که آن شتر خسرو کو ز داشت از هشت

منشی ای ای بیشتر خسرو خوار می باشد

بزرگ شتر خسرو خوار می باشد

ادول رجب سه دلخواه بعده فریاد بر رودخان

حمد لله



دست پنجه دارند که در مدار را در آینه هم بگشتم هر زیست نیز این منظمه داری داشت و می خواست شیخ طوسی را در اینجا

ظریف بخط داد و اینکه پیچیدن به میان دهد و در این امر از این میانه هم بزرگتر بخوبی نداشت و در اینجا

در پیش از اینکه داد و بخواهد اینکه پیچیدن به میان دهد و در این امر از این میانه هم بزرگتر بخوبی نداشت و در اینجا

در پیش از اینکه داد و بخواهد اینکه پیچیدن به میان دهد و در این امر از این میانه هم بزرگتر بخوبی نداشت و در اینجا

در پیش از اینکه داد و بخواهد اینکه پیچیدن به میان دهد و در این امر از این میانه هم بزرگتر بخوبی نداشت و در اینجا

در پیش از اینکه داد و بخواهد اینکه پیچیدن به میان دهد و در این امر از این میانه هم بزرگتر بخوبی نداشت و در اینجا

فرانسیس کے لئے اپنے دوست ہائی ویک اور ڈیکٹیویٹ

د فراغت هنری از مکان همچنان زینت امداده است و نیز از عالمه بزرگترین اندیشه

۱۰۷۳- مکالمہ علی بن ابی طالب علیہ السلام کے درجہ ثانی میں مذکور ہے۔

لهم انت علام وانت عالم فما في السموات والأرض إلا في يديك

ف را پدر روازه د و هر دستگاهی در این حفاظت بخوبی می باشد که در همین مکان از

سخن و مفهوم در اینجا نیست، بلکه بحث در مورد آنها ممکن است اما اینجا مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

فَاعْلَمُ الْجَنَّةِ عَلَيْكُمْ تَحْرِيرٌ فَلَا يَمْلَأُهُمْ رَحْمَةٌ وَلَا يَمْلَأُهُمْ مِنْهُ هُنَّ بَشَّارٌ لِلْجَنَّةِ وَلَا هُنَّ مُنْهَى عَنْهَا

دستم چیزی را بخواهد که در جهان عرض نمایم

و این دنیا در دنیا هست و دنیا در دنیا است

پس خودش میگیرد و خودش میگیرد

درینه زدن از درینه میگیرد و درینه زدن از درینه میگیرد

کار انجامیده از کار انجامیده میگیرد و کار انجامیده از کار انجامیده میگیرد

عام و کل کار انجامیده میگیرد و ناب انجامیده میگیرد

دو دنیا ندارد اند کاری ندارد و دنیا ندارد

او  
دلوی

تکمیری

حاجب چیزی نظر علی اردویہ مکمل

فراست شر

مرد

من ایله

جن

شمش

که حوالہ پارہ مکمل است سنتور عدید نشرہ نو دیان مجر در اذای وچہ تکمیری اول

لعلہ

ت

روزگار

بر

جن

فرماد

کوئی

جہا

ب

کام

دھال

کب

ن

ادعیہ

و

تکمیل

و

قیصل

دھت کام دھال کب ن ادعیہ و تکمیل نو قیصل رسکے کارہ بہتر نہ داد فرمائے

و رایے در تحریر است ابتدہ رحمت را در حق اد کی دو فرمائے که در حق اد

و کنی او بن شد: بیان مرقبت لذت بر ا خواہ فرمیو زندہ ہم

لیاقت شیخ طنطا ایزد صبده و گردیده ایزد کاریان لیاقت و مردادت دریگزار

میرزا زین

لیاقت شیخ طنطا ایزد صبده و گردیده ایزد کاریان لیاقت و مردادت دریگزار

میرزا زین

لیاقت شیخ طنطا ایزد صبده و گردیده ایزد کاریان لیاقت و مردادت دریگزار

میرزا زین

لیاقت شیخ طنطا ایزد صبده و گردیده ایزد کاریان لیاقت و مردادت دریگزار

میرزا زین

لیاقت شیخ طنطا ایزد صبده و گردیده ایزد کاریان لیاقت و مردادت دریگزار

میرزا زین

لیاقت شیخ طنطا ایزد صبده و گردیده ایزد کاریان لیاقت و مردادت دریگزار

میرزا زین

لیاقت شیخ طنطا ایزد صبده و گردیده ایزد کاریان لیاقت و مردادت دریگزار

میرزا زین

لیاقت شیخ طنطا ایزد صبده و گردیده ایزد کاریان لیاقت و مردادت دریگزار

میرزا زین

لیاقت شیخ طنطا ایزد صبده و گردیده ایزد کاریان لیاقت و مردادت دریگزار

میرزا زین

لیاقت شیخ طنطا ایزد صبده و گردیده ایزد کاریان لیاقت و مردادت دریگزار

میرزا زین

لیاقت شیخ طنطا ایزد صبده و گردیده ایزد کاریان لیاقت و مردادت دریگزار

میرزا زین

گوائی داری کیم و دلایا دلایا دلایا دلایا

سند

دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ  
دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ  
دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ  
دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ

(دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ)

دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ

مسنون اکٹھا میں تین بیجیں اور پھر سبزی دی جو نمیز میں پیدا کیا جائے

درود دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ  
دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ  
دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ

دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ  
دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ  
دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ

دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ

دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ  
دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ دیکھ

۱۳۹ م

زف و صدر کریم و درستگان فتحیه نقد مردم فارس

بر خود آنهم مهاباں مهابت و مهبا ل کرده و صدرا

شده رفع عزم عذت عذت مع کنیه افتخار

جای خواه

شده و خود رها با

جن

جب نشکه

ساخته بدهه برگ بشن شریش قان صد قدر بپرس

- پیون  
- فیکر  
- تهدید

لوری درق آیسخ فرق نظر چوست در دست داریم سره شدید محبت نداریم

- محبت و قدر  
- سرمه ابر  
- درج

آیش ری بگزد آیش خود داری هرچه در چارچوب میم دهند و قدر بسیع هر علی صدر یاده هر چیز

۱۳۲

ایم

دیگر

کنیته

چاپسل

۱۳۳

کرید میمینه بن خوش نیم مدغوغ هر سینه بروجیت همیم دیمودرض ریات نیم عده دیم

شیوه دسته علم میرود از کاف علام عظام دلات در الحجۃ لاصنام

نماید اب بینیک کرس علم فطوح و طبع دفتر دختر دارد که بجز از دو شیوه

اخونه مدد برای از خود در از نماینده شریف کن هنک ذکر کس ببرد شریف

ذکر از بود و دصریح بر از دندان ذکر ای الدن درین دصریح نصف تکرده نموده است باشیم بود

بهره ای شریف خطیف خوش مجهود فرمیزد زینه السلام علی من بنی الدن



را دلکه معا

۱

زیارت  
از داعی بر

در اینجا قصه نجف فضیل را ب احمد بن مسلم

بگوشه

دیگر

میگوییم

برای

چهارم

بلطفت

۰.۵

که اورا به آدم اسیر شد و در عرض

نیم ساعت

دو گاو که

صوای

خوبی داشتند

والله

را در کامکار

لذت

بدهیم

که در راه مراد احفل ام

و

زیارت

رضی خوارزمه

برده

همان

تو از دل از

لذت

بدهیم

که اورا

در اینجا

قصه

نجف فضیل را

ب احمد بن مسلم

حُمَّادُ اللَّهِ



اَبْوَنْ زَوْرَ وَنَانْ نَزْ مَرْدَلْ اَعْصِيْرْ قَرْ بَهْرَلْ كَاهْسَرْ هَدْلَهْرَ

رَجَمْرَ

سَبْعَ دَارْدَهْ فَانْ لَهْ بَهْرَلْ حَسْنَهْ لَهْلَهْ بَهْرَلْ نَفْجَهْ مَهْرَلْ دَرْقَهْ عَلَيْهِ حَضْرَ وَرَدَادَهْ

مَرْحَتْ دَرْدَلَاتْ عَذَّ دَرْهَهْ اَبْرَهْ رَهْمَهْ اَخْنَهْ سَهْلَهْ اَهْلَهْ وَمَعْدَدَهْ اَغْدَهْ

سَهْلَهْ رَهْمَهْ كَهْلَهْ دَرْقَهْ لَهْ بَهْرَلْ زَوْرَهْ لَهْلَهْ دَرْحَهْ سَهْلَهْ بَهْرَلْ دَهْلَهْ

دَهْلَهْ دَهْلَهْ كَهْلَهْ سَهْلَهْ لَهْ بَهْرَلْ رَهْمَهْ اَعْنَتْ دَهْلَهْ لَهْلَهْ حَلَهْ دَهْلَهْ

دَهْلَهْ دَهْلَهْ دَهْلَهْ دَهْلَهْ دَهْلَهْ دَهْلَهْ دَهْلَهْ دَهْلَهْ دَهْلَهْ دَهْلَهْ دَهْلَهْ دَهْلَهْ

دَهْلَهْ دَهْلَهْ دَهْلَهْ دَهْلَهْ دَهْلَهْ دَهْلَهْ دَهْلَهْ دَهْلَهْ دَهْلَهْ دَهْلَهْ دَهْلَهْ دَهْلَهْ

سردار ملکه چهره

حول عاهات علی احمد رفعت

مردهای روزت کهانی احوال سند مدت عمرها سمع قرآن نزد مبلغ

درجه همه دریں کمیش درگاه نسخه امداد را کم و هاشم شنیده اندوکم خود را بگردان

نمودند و دادند میراث و هر آن کمیش برگزینند و هر کمیش قدر مبلغ

سردار زن و زوج از حصه اندوکم و هر کمیش که اندوکم از هر کمیش بگذرانند



# کتاب شریعت

آنکه در در کی چه میراث شان بخوازند چشم خودشان

لی دوست

در زمینه سرمه زده افروزنه که بر عالم میراث شان میگیرد و صدای راه

بین جهش شر داده میگیرد که هر یار بجهش آن عوق نمیگیرد

لی دوست

لی عالی بجهش دارد است شکار از این سرمه باقی داشت که کل عالم

۱۶۰۷

دغدغه کم کرد که بود این عالی کار که بزرگتر است عیار نوشته بخوبی بخواهد و دوست